

دادگاه با اعلام ختم دادرسی به موجب رأی شماره ۱۸۰-۲۳/۲/۱۳۹۲ در خصوص واخواهی خانم ط.الف. فرزند الف. نسبت به دادنامه شماره ۷۹۸-۳۰/۶/۸۹ از شعبه ۸ دادگاه عمومی حقوقی کرمان و به طرفیت آقای ع.م. فرزند م. نظر به لحاظ اینکه خواهان اظهار داشته در خانه با بچه‌هایم بودم و شب‌ها نیز کنار بچه‌هایم که بزرگ بودند می‌خوابیدم و حتی درب خانه را قفل می‌کردیم و هیچ‌گونه رابطه‌ای با یکدیگر نداشته‌ایم و من هر وقت با ایشان بودم با پوشش کامل بودم و بچه‌هایم که بزرگ می‌باشند گواه بر ادعای من می‌باشند و دو نفر از فرزندان خود را به عنوان شهود معرفی کرده که با اتیان سوگند اظهارات خواهان را عیناً تأیید نموده‌اند لذا نظر به مطالب فوق و اینکه در طلاق خلعی شرط رجوع زوج به رابطه زوجیت رجوع زوج به ما بذل می‌باشد و رجوعی از طرف زوج به ما بذل صورت نگرفته است ادعای واخواه را مطابق با واقع تشخیص داده و ضمن نقض رأی غیابی فوق‌الذکر رأی بر رد دادخواست اثبات رجوع را صادر و اعلام کرده است آقای ع.م. نسبت به دادنامه فوق‌الذکر تجدیدنظرخواهی به عمل آورده است که پس از پاسخ تجدیدنظر خوانده شعبه ششم دادگاه تجدیدنظر استان کرمان به موجب رأی شماره ۵۰۸-۱۴/۵/۱۳۹۲ و با این استدلال که دلیلی بر رجوع طرفین وجود ندارد و با توجه به اینکه طلاق آنان از نوع خلعی بوده است و **در طلاق خلعی ابتدا بایستی زوج در ایام عده به ما بذل رجوع و سپس زوج به زوجیت رجوع نماید و این رجوع به ما بذل ثابت نیست** لذا با رد اعتراض رأی تجدیدنظر خواسته را عیناً تأیید کرده است. آقای ع.م. نسبت به دادنامه یادشده فرجام‌خواهی به عمل آورده است که پس از پاسخ فرجام‌خوانده پرونده به دیوان عالی کشور ارسال و به این شعبه ارجاع شده است لایحه اعتراضیه به هنگام شور قرائت می‌شود.

در تاریخ ۲۵/۹/۸۸ آقای ع.م. فرزند م. **دادخواستی به طرفیت خانم ط.الف. فرزند الف.** و به خواسته **اثبات رجوع** تقدیم کرده و توضیح داده است به موجب حکم شعبه هشتم در تاریخ ۲۸/۶/۸۸ **خانم خوانده از اینجانب طلاق گرفته و بلافاصله باهم به منزل رفتیم نزد اینجانب آمده و رجوع نموده‌ایم و رابطه زناشویی داشته‌ایم** و هنوز باهم زندگی می‌کنیم لذا با تقدیم دادخواست صدور حکم بر اثبات رجوع را دارم. شعبه ۸ دادگاه عمومی حقوقی کرمان با تعیین وقت رسیدگی در وقت مقرر با حضور خواهان و در غیاب خوانده تشکیل شده است خواهان اظهار داشته همسر من طلاق گرفته است بعد از طلاق من رجوع کردم و زیر یک سقف زندگی می‌کنیم و رابطه هم داشته‌ایم. دادگاه قرار استماع شهادت شهود را صادر کرده است و با تعیین وقت نهایتاً در جلسه ۲۹/۶/۱۳۸۹ دادگاه با حضور خواهان و در غیاب خوانده تشکیل شده و دادگاه پس از تحقیق از دو نفر از گواهان تعرفه شده از سوی خواهان به موجب رأی شماره ۳۰/۶/۱۳۸۹-۷۹۸ در خصوص دعوی آقای ع.م. فرزند م. و به طرفیت خانم ط.الف. فرزند الف. و به خواسته اثبات رجوع با توجه به اینکه خواهان **شهودی معرفی کرده که با اتیان سوگند اعلام نموده‌اند ما شاهد هستیم که طرفین پرونده در یک‌منزل زندگی می‌کنند و بارها شاهد رفت‌وآمد ایشان باهم بوده‌ایم**

لذا مستنداً به ماده ۱۰۶۲ قانون مدنی رأی بر اثبات رجوع زوجین در زمان عده را صادر و اعلام کرده است رأی صادره غیابی و قابل واخواهی قیدشده است. خانم ط.الف. نسبت به دادنامه یادشده واخواهی به عمل آورده است و دادگاه با توجه به نحوه ابلاغ دادنامه به خوانده قرار قبولی واخواهی را صادر و با تعیین وقت رسیدگی طرفین را دعوت کرده است. در وقت مقرر دادگاه با حضور طرفین دعوی تشکیل شده است خانم ط.الف. اظهار داشته اصلاً رجوعی در کار نبوده و هیچ رابطه‌ای باهم نداشته‌ایم و با پوشش اسلامی جلوی ایشان حاضر می‌شدم و با چند نفر از بچه‌های بزرگم توی یک اتاق می‌خوابیدم و درب اتاق را قفل می‌کردم ایشان نمی‌رفت می‌گفت پولم را بدهید و هشت ماه بعد خانه را فروختم و ایشان از خانه رفت و هیچ‌وقت من با ایشان تنها نبودم سه مرتبه پلیس ۱۱۰ آمده و او می‌خواست مرا بکشد دخترانم که با ما زندگی می‌کردند و الآن هم حضور دارند و بزرگ می‌باشند درخواست تحقیق از آنان را دارم و از اظهاریه‌های پرونده بی‌اطلاع بوده‌ام آقای ع.م. اظهار داشته همسایه‌ها را قبول دارم من که دوربین نداشتم که همراهم بزم بچه‌ها دروغ می‌گویند. دادگاه از گواهان واخواه (فرزند مشترک) تحقیق کرده و پس از اینکه واخواه اظهار داشته قسم می‌خورم در زمان عده هیچ‌گونه رابطه‌ای با آقای م. نداشتم و با پوشش جلوی ایشان حاضر می‌شدم.

شماره رای نهایی: ۹۳۰۹۹۷۰۹۰۷۲۰۰۰۵۱

تهران، خیابان جرحن خیابان رحیمی، پلاک ۵۴، طبقه ۵، واحد ۱۶

در صورتی زوج می‌تواند در طلاق خلعی، به زوج رجوع کند که بدو از زوج در ایام عده به ما بذل رجوع کرده باشد.

تهران، خیابان جرحن خیابان رحیمی، پلاک ۵۴، طبقه ۵، واحد ۱۶

